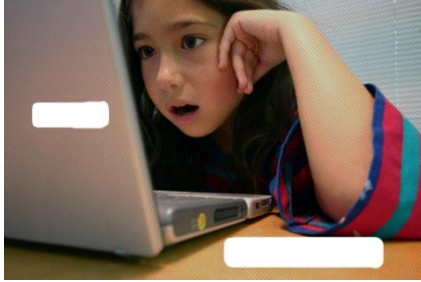


## فصل دوازدهم:

### تأثیر رسانه‌های جدید و کنترل نشده بر بلوغ





## \* تاثیر رسانه‌های جدید و کنترل نشده بر بلوغ

فرهنگ جامعه ما بر پایه دین مبین اسلام بنا نهاده شده و الگوهای تربیتی این جامعه نیز بر اساس آموزه‌های اسلامی شکل گرفته است و سعی همه ما بر این است که بتوانیم فرزندانمان مطابق با این آموزه‌ها تربیت نماییم و باعث رشد و بالندگی آنها شویم.

انسان بر اساس طبیعت ذاتی خویش احتیاج به برقراری ارتباط دارد. انسان‌ها از آغاز برای برقراری ارتباط و رساندن پیام خود به دیگران، شیوه‌های گوناگون را به کار برده‌اند؛ از اشاره‌های رمزگونه اولیه گرفته، تا استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل ارتباطی مدرن امروزی. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی که در گذشته دارای رشدی کند و ناچیز بوده، در عصر حاضر با تحول چشم‌گیری روبه‌رو شده‌اند؛ به گونه‌ای که عصر حاضر را «عصر اطلاعات و ارتباطات» می‌خوانند؛ آن هم ارتباط جوامع انسانی؛ یعنی ارتباط بین کالا، سرمایه، فرهنگ و اعتقادات که به‌آسانی از مرزهای جغرافیایی می‌گذرند و وارد قلمرو دیگر جوامع می‌شوند. همچنین عصر حاضر را «عصر جریان‌های اجتماعی و تحول» نیز نامیده‌اند؛ تحول در عقاید، انگاره‌ها، پیام‌ها و ارزش‌ها. در چنین برهه‌ای از زمان که فضای مجازی جهان را به دهکده‌ای کوچک مبدل کرده و مردم جهان را از کوچک و بزرگ با فرهنگ و باورهای متفاوت با یکدیگر مرتبط نموده، مباحث تربیتی فرزندان را با چالش روبه‌رو ساخته است. در شرایطی که فرزندان با هدایت والدین باید الگویی مناسب برای خود برگزینند و مسیر زندگی خویش را انتخاب کنند، با ورود به این دهکده جهانی، به دنیایی بی‌انتهای متصل شده و با آن خود می‌گیرند و طبق راه ورسم آن رشد نموده و بلوغ جسمی و روحی پیدا می‌کنند. در چنین فضایی که فرزندان به ارتباطات انسانی و واقعی اطرافیان و مسائل اجتماعی پیرامون خویش کم‌توجه و در برخی از اوقات بی‌توجه شوند، این هشدار جدی برای خانواده‌ها محسوب می‌شود که باید درصدد رفع این مشکل برآیند؛ زیرا ممکن است صدمات جبران‌ناپذیری را سبب شده و دیگر توان کنترل فرزندان خود را از دست بدهند.

اکنون نسل کنونی در شرایطی قرار دارد که استفاده از رایانه و به‌تبع آن اینترنت در زندگی‌شان اجتناب‌ناپذیر است. در میان فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی که ساختار اطلاعاتی جوامع امروز را تغییر داده‌اند، رسانه اینترنت که فضای مجازی را در زندگی واقعی انسان وارد کرده، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است و تأثیرگذاری آن در بخش‌های مختلف زندگی

انسان، روزبه‌روز در حال افزایش است. شبکه اینترنت به نوعی توانسته همه رسانه‌های نوین را در خود جای دهد. اینترنت به علت دارا بودن ویژگی‌های خاصی مانند دسترسی به فضای مجازی سرگرمی و تفریحی، ظرفیت بالای نگهداری اطلاعات، قابلیت استفاده گسترده از بایگانی‌های عظیم و غنی رسانه‌های متنی، صوتی و تصویری، تعامل دو سویه، تمرکز زدایی، چند رسانه‌ای بودن، جمع زدایی، عدم پایبندی به زمان و سرعت دسترسی به اطلاعات بدون کنترل، فرزندان را بیشتر از رسانه‌های دیگر به خود جلب نموده است. این ابزار به خودی خود می‌تواند رقیبی برای والدین محسوب شده و فرزندان را از بسترهای تربیتی والدین جدا سازد.

اگر قصد داشته باشیم که براساس موازین اسلام تربیتی صحیح و هدفمند را برای فرزندانمان در پیش بگیریم، نخست باید مانع دسترسی فرزندان به اطلاعات و آموزه‌هایی شویم که با روش‌ها و مفاهیم تربیتی اسلام مغایر و در تضاد است. برخی از این اطلاعات، موجب خنثی شدن تلاش‌های تعلیم و تربیتی والدین شده، با اهداف گوناگون و بعضاً انحرافی روی اینترنت قرار می‌گیرد.

در فضای وب، فرزندان ما با مسائل جذابی روبه‌رو می‌شوند که توجه آنان را به خود جلب می‌کنند و همین جذابیت است که احتمال الگو قرار گرفتن آن‌ها از سوی فرزندان ما را افزایش می‌دهد.

به بخش‌هایی از چالش‌هایی که اینترنت می‌تواند در دوران بلوغ برای فرزندان ما ایجاد کند، اشاره می‌کنیم:

### گرایش به پورنوگرافی و مسائل جنسی



سوق دادن فرزندان به سمت پدیده پورنوگرافی و مسائل جنسی، از دیگر ترندهای پایگاه‌های اینترنتی است که پدید آورنده مشکلات اخلاقی برای فرزندان ما می‌باشد. از جمله این مشکلات می‌توان به اختلال در خواب و بلوغ زودرس اشاره نمود. هدف این پایگاه‌ها سست کردن بنیان خانواده‌ها و اشاعه فرهنگ فساد و فحشا در جامعه است؛ زیرا این

ریهافتی است که برای برجیدن فرهنگ‌های اصیل دینی و اخلاقی و براندازی نظام‌های دینی

همچون کشور اسلامی اندلس در گذشته تجربه شده است. اینان با پخش تصاویر، فیلم‌ها، داستان‌ها و مطالب مستهجن قصد دارند فرزندان ما را به فساد اخلاقی کشانند، آنان را به این پدیده معتاد سازند. آمار نشان می‌دهد که هر روز ۲۶۶ صفحه جدید پورنو در اینترنت تأسیس می‌شود. تعدادی از پژوهشگران معتقدند که عادت بیمارگونه دیدن عکس یا فیلم‌های پورنو، بر رفتار جنسی افراد تأثیر منفی دارد. برخی دیگر از پژوهشگران نیز مشاهده تصاویر پورنو را با مصرف مواد مخدر مقایسه می‌کنند و ادعا می‌کنند که دیدن صفحات پورنو در اینترنت، تفاوتی با استعمال مواد مخدر ندارد. اینان می‌گویند یک بار دیدن پورنو، برای ابتلا به اعتیاد کافی است. فرزندان ما با مشاهده این‌گونه مطالب در صفحات وب با بن‌بست روحی شدیدی مواجه گشته، به افسردگی دچار خواهد شد. طبق گزارش پایگاه سیتنا از قول مهندس کرم بیگی، میزان و درصد استفاده از پهنای باند اینترنت در زمینه‌ی مسائل غیراخلاقی و چت در دنیا و ایران بین ۳ تا ۷ درصد است. این آمار از طریق جستجو در پایگاه‌ها به دست آمده است.

اگرچه تاکنون در ایران آمار دقیقی از این‌گونه پایگاه‌ها و میزان مراجعه به آن‌ها به دست نیامده است، با این حال بر اساس تحقیقات صورت گرفته و به احتمال فراوان، این آمار در کشورمان از درصد متوسط دنیا کمتر است. به غیر از این پایگاه‌ها، وبلاگ‌هایی چندین برابر بیشتر از وبسایت‌ها وجود دارند که به انتشار این‌گونه مطالب می‌پردازند. این صفحات و صفحات مشابه، آثاری چون خشونت و اختلالات رفتاری را نیز به دنبال خواهند داشت.

### کاهش تأثیرپذیری اطفال از والدین

برخی پایگاه‌ها در اینترنت به فرزندان یاد می‌دهند که به نصایح و صحبت‌های والدین خویش اهمیت نداده و به بهانه‌های مختلف از جمله قدیمی بودن این سخنان و حضور در عصر فضای مجازی و دیجیتالی در مقابل آنان بایستند. همچنین به نوجوانان آموزش می‌دهند که چگونه به اهداف خود دست یابند و به چیزی که می‌خواهند، خارج از قواعد خانواده، برسند. اینترنت به آنان تعلیم می‌دهد که چگونه مطالبات خود را از پدر و مادر درخواست نمایند و از چه طریقی شانه از زیر بار خواسته‌های والدین خویش خالی کنند. فضای مجازی به آنان یاد می‌دهد که فقط به حرف‌های به اصطلاح امروزی گوش دهند و بر هدفی که مقصودشان است، اصرار ورزند. برخی صفحات وب در اینترنت راهکارهای مخالفت با والدین و فرهنگ فرزندان را به آنان تعلیم داده، در پاره‌ای اوقات به طور غیرمستقیم خشونت علیه والدین را نیز توصیه می‌کنند.

### ترویج فرهنگ غربی و ایجاد بحران هویت

فرهنگ، دایره‌ای گسترده دارد که در مطالعات جامعه‌شناختی، در دو بُعد مادی و معنوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بُعد مادی فرهنگ در حقیقت همان ابزار و وسایل نفوذ ارزش‌ها هستند و بعد دیگر آن، همان ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای جامعه می‌باشد. هجوم فرهنگ بیگانه مسأله‌ای نیست که بتوان از ورود آن به کشور جلوگیری کرد. غرب با استفاده از فناوری و ابزار نوین، هنجارها و ارزش‌های خود را بر جوامع دیگر تحمیل می‌کند که در صورت عدم هوشیاری فرهیختگان، ممکن است جوامعی که به سوابق تاریخی خود توجه نکنند، به «واپس ماندگی فرهنگی» دچار شوند و ارزش‌ها و هنجارهای اصیل و بومی آن جامعه اضمحلال و تغییر یابد.

ابزارهای مدرن انتقال فرهنگ، شامل رسانه‌های گروهی، شبکه اینترنت و دیگر وسایل ارتباطی و مخابراتی است. روش دیرینه غرب در انتقال فرهنگ خود به سایر ملل این گونه است که محصولات فکری خود را به صورت فرضیه‌ها و اندیشه‌ها و ایده‌های علمی و تمدنی جدید به شکلی ارائه می‌دهد که در محافل علمی و آموزشی، رفتارها و هنجارهای غربی به صورت ناخودآگاه از سوی دانش‌آموزان و دانشجویان پذیرفته و نشر داده می‌شوند؛ در حالی که علم و ارزش‌های حاکم بر غرب دو روی یک سکه‌اند و با هم تعامل داشته، لازم و ملزوم یکدیگرند. روح آموزش‌های غربی بر اومانیزم (انسان‌گرایی) مبتنی است و حال آن‌که این تفکر با اندیشه اسلامی که مبتنی بر الوهیت و دین‌سالاری است، تفاوت دارد. در این میان، مهم است که والدین فرزندان خود را هوشیار سازند تا در بهره‌گیری از مطالب و مفاهیم علمی از شبکه جهانی اینترنت، مراقب تأثیرگذاری فرهنگی دیگران نیز باشند و پیوسته پیشینه درخشان علمی و ملی و مذهبی خود را برای آنان گوشزد کنند.

یکی دیگر از فرهنگ‌های ترویجی غرب که بر تربیت نسل امروز تأثیرگذار است، مدگرایی غربی می‌باشد که طریقه پوشیدن لباس، آرایش مو و به طور کلی آرایش ظاهر را به اشکال متنوع به ظهور رسانده است. سرمایه‌داران و سودجویانی که بسیاری از صفحات وب را در دستان خود گرفته‌اند، سعی دارند فرهنگ مدگرایی خویش را به فرزندان ما تحمیل نمایند و آنان را به سمت فرهنگ پوششی خود بکشانند. آنان با انتشار تصاویر و فیلم‌های گوناگون فرزندان را به سمت مدهایی چون سبک شیطان‌پرستان و همجنس‌گرایان سوق می‌دهند و با ترویج فرهنگ برهنگی و نیمه‌برهنگی بر جذابیت‌های جنسی کار خویش می‌افزایند. آنان با تغییراتی در غالب فرهنگ عمومی جامعه، فرهنگ‌های عرف جامعه را به سوی اهداف خویش

هدایت می‌کنند. کشورهای غربی با تغییر رویکرد نسبت به پدیده حجاب سعی دارند تا آن را تا حد یک امر زیباشناختی تنزل دهند و حجاب را از فلسفه اصلی خود که پوشیدگی است، جدا کنند. بی‌شک، رویکرد مُدمحور به حجاب با آموزه‌های اجتماعی اسلام تناقض دارد. این رویکرد متضمن پاسخ به تنوع‌طلبی بصری است و حال آن‌که آموزه‌های اسلام درباره حجاب اساساً به از بین بردن زمینه‌های بصری گناه از سطح جامعه توجه دارد. استکبار جهانی که نتوانست اعتقادات مردم مسلمان را از آن‌ها بگیرد، اکنون می‌کوشد با خارج کردن اعتقادات از مسیر اصلی خود و تبدیل آن‌ها به اموری بی‌اثر و بی‌خطر، حتی از آن‌ها برای مقاصد خود بهره‌برداری کند تا دیگر حجاب و پوشش اسلامی سلاخی در برابر تنوع‌طلبی و مُدگرایی غربی نباشد، بلکه خود همراه و مکمل آن باشد.

### تشویق به هنجارشکنی اجتماعی

از دیگر آموزه‌های برخی از پایگاه‌ها در اینترنت، تشویق نوجوانان و جوانان به اعمالی بر خلاف هنجارهای جامعه است. این مطالب فرزندان را به اعمال ضد هنجاری از جمله: دزدی، آدم‌ربایی، قتل، آشوب‌گری، نشر اکاذیب و یا مهمانی‌های شبانه تحریک می‌کند. پایگاه‌های مذکور حتی به آموزش خودکشی مبادرت ورزیده و راه‌های مختلف آن را تعلیم می‌دهند. پایگاه‌هایی در شبکه اینترنت وجود دارند که فرزندان را به ساختن صفحات وب و وبلاگ‌های مختلف با عناوینی چون: سکس و مطالب ضد انقلاب اسلامی، دین و تشیع راهنمایی می‌نمایند.

### اعتیاد به اینترنت و بازماندن از رشد علمی و جسمی

فضای اینترنت به لحاظ جذابیت‌های آن، ساعت‌ها فرزندان را به خود مشغول می‌سازد موجبات سرگرمی آنان را فراهم می‌کند. به این ترتیب، کودکان و نوجوانان بسیار به چنین محیطی علاقه‌مند می‌شوند و سعی می‌کنند بیشتر وقت خویش را در مقابل رایانه و درون فضای سایبر بگذرانند که به تدریج به آن اعتیاد پیدا می‌کنند. بر اساس گزارش خبرگزاری ایسنا پروفیسور دایان ویلند که درباره اعتیاد رایانه‌ای تحقیقات می‌کند، معتقد است: بسیاری از کاربران اینترنت عادت دارند که هر روز ساعات بسیاری آنلاین باشند؛ حتی اگر هدف خاصی را در دنیای مجازی دنبال نکنند. ۵ تا ۱۰ درصد کاربرانی که در حال حاضر به اینترنت اعتیاد ندارند، در گذشته این تجربه را داشته‌اند.

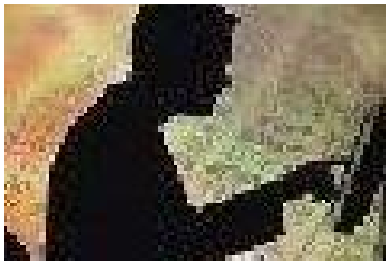
عده‌ای از کاربران تنها برای ایجاد ارتباط با دیگران وارد محیط شبکه می‌شوند و حتی اگر یک روز این کار را انجام ندهند، احساس می‌کنند که چیزی از زندگی آن‌ها گم یا کم شده است. اعتیاد آنلاین علاوه بر این که مضرات اجتماعی در پی دارد، می‌تواند برای سلامت کاربر نیز خطرناک باشد.

پروفسور ویلند ادامه می‌دهد که در هر صورت در حال حاضر نگرانی‌ها نسبت به اعتیاد اینترنتی شدت گرفته و با توجه به گسترش روزافزون اینترنت در جهان، به طور مسلم، پدیده‌ی اعتیاد به اینترنت در آینده وسیع‌تر خواهد شد و باید زمینه‌ای را برای استفاده‌ی صحیح از دنیای مجازی فراهم آورد.

به گفته‌ی وی، بسیاری از معتادان به اینترنت، در دوره‌هایی از زندگی خود دچار افسردگی، استعمال مشروبات الکلی و آشفتگی‌های روانی بوده‌اند. معتادان به اینترنت همچنین نسبت به تحصیل علم بی‌میل می‌شوند و همین امر موجبات دل‌سردی آنان از ادامه تحصیل گردیده، در نهایت، ترک تحصیل می‌کنند.

از دیگر مضرات، عدم رشد روحیه اجتماعی، ناتوانی در تعامل با دیگران و جامعه و نیز عدم رشد جسمی در کودکان و نوجوانان است که صدمات جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت.

### چت، مهمترین انگیزه جوانان در پر کردن اوقات فراغت



چت در زبان فارسی همان گفت و گو، معنا می‌شود خانواده‌ها باید با خطراتی که فرزندانشان را در این خصوص تهدید می‌کند، آگاه باشند.

در دهه اخیر ارتباطات اینترنتی در کشور ما جایگاه خاصی پیدا کرده است و مهمترین مسئله این ارتباط پدیده‌ی چت است. چت یا گفتگوی اینترنت از

ابزارهایی است که با پیشرفت تکنولوژی در میان سایر پدیده‌های نو ظهور، بیشتر خودنمایی می‌کند و متأسفانه این نوع ارتباطات اینترنتی یکی از آسیب‌هایی است که در دهه‌ی اخیر شیوع یافته است. آسیبی که در بسیاری از مواقع با حس کنجکاوی و شوخی آغاز می‌شود ولی ممکن است پایان غم‌انگیزی داشته باشد

چت در دنیای اینترنت اصطلاحی است به معنای صورت گرفتن ارتباطات میان فردی، به شکل نوشتار یا صدا و تصویر (توسط وب کم) است.



با توجه به اینکه این نوع از ارتباط در دهه اخیر جای خود را در کشور باز کرده، نوجوانان در رتبه اول آسیب‌پذیری قرار دارند. در این نوع ارتباط فاصله‌ها شکسته می‌شود و فرد می‌تواند با هر کسی که دوست دارد و در هر شهر یا کشوری ارتباط برقرار کند همچنین در این نوع از ارتباط فرد می‌تواند هویت خود را پنهان کند و با چند هویت وارد این فضا شود.

مهمترین انگیزه‌های افراد از چت کردن می‌توان به حس کنجکاوی و ارضای آن، پر کردن اوقات فراغت و تنهایی در جوانان، ناتوانی خانواده‌ها در ارضای نیاز فرزندانشان، ناتوانی زوجها در برطرف کردن نیازهای مادی و معنوی همدیگر، طلاق روانی و کلامی در اعضای خانواده، و همچنین علل فرهنگی و اجتماعی را هم می‌توان از عوامل سیر در فضای مجازی دانست.

خانواده‌ها باید با خطراتی که چت کردن فرزندانشان را با تهدید مواجه می‌کند آشنا باشند این خطرات عبارتند از:

ارتباط با افراد مخرب در اتاق گفتگو، در معرض موارد ضد اخلاقی بودن، خطرات مالی و کلاهبرداریهای اینترنتی، استفاده نادرست از اطلاعات شخصی و مسائل خصوصی، قرار گرفتن در معرض موارد نامناسب تجاوز جنسی، مواد مخدر، مشروبات الکلی، سیگار و خطرات دیگر اعتیاد اینترنتی (چت کردن می‌تواند مانند الکل، مواد مخدر، اعتیاد آور باشد)، فرار از مدرسه.

### راهکار پیشنهادی برای کاسته شدن از خطرات و مضرات اینترنت:

۱- آگاهی دادن به نوجوانان البته نه به صورت تحریک آمیز که اشتیاق آنها را دو چندان نماید.

۲- آموزش مهارتهای زندگی

۳- برنامه ریزی برای اوقات فراغت

۴- آموزش مهارتهای ارتباطی

۵- هدفمند کردن نوجوانان

۶- آموزش خانواده‌ها به فرزندانشان در زمینه استفاده صحیح

اینترنت



### دوست‌یابی‌های خطرناک اینترنتی

در اینترنت پایگاه‌های مختلف دوست‌یابی به چشم می‌خورد که فرزندان ما بدون این‌که آگاهی داشته باشند، جذب آنان شده و با افرادی که مشخص نیست چه کسانی هستند؟ از کجا هستند؟ خانواده آن‌ها کیست؟ دارای چه عقاید و فرهنگی هستند؟ و چند سال سن دارند؟ دوست می‌شوند و ممکن است تحت تأثیر قرار گرفته و به راه‌های انحرافی کشیده شوند.

خبرگزاری فارس طی گزارشی بیان کرده است که یکی از مشکلات جدید کار در فضای اینترنتی، دوستی‌های مجازی یا علاقه‌مندی نوجوانان و جوانان از طریق اینترنت است که متأسفانه پس از دوست‌یابی و شکست در ارتباط و ملاقات به افسردگی کشیده شده و بعضاً دست به خودکشی می‌زنند. این دوستی‌های مجازی مشکلات فراوانی را برای خانواده‌ها به وجود آورده است. دوست‌یابی اینترنتی، فرهنگ دوست‌یابی بدون هویت و منطق را رواج می‌دهد و زمینه روابط نامشروع و خارج از ضوابط و عرف را فراهم می‌سازد؛ بدون آن‌که والدین از این شرایط آگاهی داشته باشند.

### هرزه نگاری و مستهجن نگاری در اینترنت و مضرات گرایش به مطالب و تصاویر محرک جنسی و تأثیر آن بر نوجوانان



هرزه‌نگاری عامل ایجاد بیماری‌های جنسی و روانی زیادی همچون آزار کودکان و تجاوز به عنف است. علاوه بر این که اعتیاد به هرزه‌نگاری، موجب اختلال در روابط صحیح و صمیمی خانوادگی و زندگی زناشویی نیز هست. این که هرزه‌نگاری (پورنوگرافی) تأثیرات بسیار مضر بر مصرف‌کنندگان دارد، به یک مسأله بحث برانگیز - نه

تنها برای مردم عادی بلکه حتی برای دانشمندان علوم رفتاری - تبدیل شده است.

در عرف عام، هرزه‌نگاری معمولاً به معنای مطالبی است که از لحاظ جنسی آشکار هستند و عمدتاً به قصد تحریک جنسی ارائه می‌شوند.

کلمه هرزه‌نگاری یا pornography از کلمات یونانی porno و graphia اخذ شده که به معنای «توصیف فعالیت روسپی‌ها» است.

در بررسی مطالب مربوط به تأثیرات هرزه‌نگاری، با گونه‌های وسیعی از مستندات برخورد می‌کنیم که حاکی از ریسک و احتمال آسیب ناشی از فرو رفتن در انبوه مطالب هرزه‌نگاری هستند. این اطلاعات، اکثراً از سه منبع به دست می‌آیند:

- اطلاعات تاریخی موارد کلینیکی

- مطالعات رشته‌ای

- مطالعات آزمایشگاهی و تجربی

اطلاعات تاریخی موردهای کلینیکی، از دفاتر درمانگاه‌ها درباره افراد دارای کارکردهای نامناسب جنسی و همچنین از روحانیون و وکلایی که خدمات مشاوره‌ای به افرادی که دارای مشکلات جنسی هستند ارائه می‌دهند، جمع‌آوری شده است. همچنین از مستندات ارائه شده توسط معتادان جنسی جمع‌آوری شده، استفاده شده است. بدون توجه به ماهیت انحرافات و اعتیادهای جنسی بیماران، ۴ فاکتور زیر در همه آنها بدون استثنا صدق می‌کند:

### ۱- اعتیاد

اولین تغییری که رخ می‌دهد، اثر اعتیادی است. مصرف‌کننده هرزه‌نگاری به آن معتاد می‌شود. وقتی آنها یک بار از مطالب هرزه استفاده کنند، دوباره به آن رجوع می‌کنند و این روند، بارها و بارها تکرار می‌شود. به نظر می‌رسد که این مطالب، یک محرک قدرتمند جنسی برمی‌انگیزد که به دنبال آن، آزادسازی شهوت، اغلب توسط استمنا صورت می‌گیرد. هرزه‌نگاری، تصویر بسیار قدرتمند و هیجان‌آلودی ایجاد می‌کند که دائماً به ذهن فرد خطور می‌کند و او آنها را در مخیله خود تفصیل می‌دهد.

افراد به هنگام اعتیاد به هرزه‌نگاری، به تنهایی نمی‌توانند از شر آن خلاص شوند و آن را کنار بگذارند. علی‌رغم این که این اعتیاد، عواقب وخیمی مثل طلاق، از دست دادن خانواده و مواجهه با قانون (در موارد تهاجمات جنسی، آزار یا سوء استفاده از همسالان) را به دنبال دارد. بسیاری از بیماران که دارای درجه هوشی بالایی بودند، آسیب‌پذیرتر بودند، شاید علت آن، قدرت خیال‌پردازی آنان بود که آنها را بیشتر به اعتیاد نزدیک می‌ساخت. در حالی که هر فردی در این مورد آسیب‌پذیر است، اما تجربه نشان می‌دهد که وکلا، حسابدارها و افراد مرتبط با رسانه‌ها، در برابر این اعتیادات، بیشتر آسیب‌پذیر هستند.

افراد بسیاری اعتراف کرده‌اند که اعتیاد افراطی به این مطالب داشته‌اند و کل زندگی‌شان را صرف آن کرده‌اند؛ ساعت‌ها استمنا کرده‌اند و همیشه به دنبال موارد وقیحانه‌تر می‌گردند. همانند یک معتاد الکلی یا افیونی، آنها همواره به دنبال ارضای بیشتر و مطالب مستهجن‌تر هستند، اما زمان بیشتری طول می‌کشد که ارضا شوند.

برای غیرمعتادان، فهم طبیعت کاملاً تحریک‌شده‌ی معتادان جنسی، دشوار است. هنگامی که «موج» آنها را می‌گیرد، هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از کار خود باز دارد.

**۲- تشدید**

دومین مرحله، تأثیر تشدید است. با گذشت زمان، فرد معتاد نیازمند انواع شدیدتر، آشکارتر، منحرف تر و عجیب و غریب تر مطالب جنسی می‌شود تا «حال جنسی» خود را افزایش دهد. این فرآیند، یادآور اعتیاد به مواد مخدر است. با گذر زمان، همواره یک نیاز رو به افزایش برای موارد تحریک کننده تر وجود دارد تا همان تأثیر ابتدایی را داشته باشد.

**۳- حساسیت زدایی**

سومین مرحله‌ای که رخ می‌دهد، حساسیت زدایی است. محتویات کتاب‌ها، مجلات و فیلم‌هایی که ذاتاً شوک برانگیز، شکننده تابوها، غیرمشروع، کریه و غیراخلاقی هستند، اما از لحاظ جنسی تحریک کننده اند، به هنگام اعتیاد به هرزه‌نگاری، قابل قبول و عادی می‌شوند. آن گاه فعالیت‌های جنسی تشریح شده در هرزه‌نگاری‌ها (بدون توجه به منحرف یا ضداجتماعی بودن آن) مشروع تلقی می‌شوند. در این مواقع، یک حس رو به رشد «همه این کار را انجام می‌دهند»، به آنها اجازه می‌دهد که کارهایی انجام دهند که قبلاً برای آنها غیرمشروع بود و با عقاید اخلاقی و معیارهای شخصی سابق آنها در تضاد است.

**۴- فعالیت جنسی**

چهارمین مرحله ای که اتفاق می‌افتد، افزایش تمایل برای انجام اعمال جنسی ای است که فرد در هرزه‌نگاری‌ها مشاهده کرده است. این اعمال عبارتند از: بی قید و بندی جنسی، عورت نمایی، شرکت در رفتارهای جنسی گروهی، نظربازی، حضور محافل مستهجن، انجام اعمال جنسی با کودکان، تجاوز به عنف و آسیب وارد آوردن به خود یا طرف مقابل به هنگام عمل جنسی.

این رفتار دائماً در آنها رشد می‌کند و به یک اعتیاد جنسی می‌انجامد، به طوری که آنها خود را محصور در آن می‌بینند و دیگر قادر نیستند آن را تغییر دهند یا با آن مقابله کنند. به علاوه، عواقب منفی این اعتیاد در زندگی آنها بسیار بدتر است.

### تأثیر هرزه‌نگاری بر توسعه بیماری روانی - جنسی

به این نکته باید توجه داشت که اطلاعاتی که درباره این مسائل در این جا آورده شده است، توسط روان‌درمانگرهایی ارائه شده که نشانه‌های توسعه مسدود را در رشد بیماری روانی - جنسی استفاده‌کنندگان هرزه‌نگاری که تحت درمان آنها بوده‌اند، دیده‌اند.

یک نمونه از این روان‌درمانگرها دکترهارولد ووث است که استاد دانشکده کارل منیگر (مدرسه روان پزشکی در توپکا) کانزاس می‌باشد. دکتر ووث دریافت که هرزه‌نگاری همان طور که موجب اعمال جنسی انحرافی، فساد جنسی، اعمال جنسی خشونت آمیز، کوتاه مدت و بی فایده می‌شود، بیانگر رشد انسانی ناکامل و غیرطبیعی است. همان طور که دکتر ووث می‌گوید، افراد بالغ و سالم این گونه رفتار نمی‌کنند.

با این حال، او تأکید می‌کند که میلیون‌ها نفر هستند که به ظاهر سالم به نظر می‌آیند، اما دارای بیماری‌های مخفی هستند که در نتیجه توسعه و رشد غیرطبیعی به وجود آمده‌اند و این افراد از طریق نابهنجاری‌های جنسی، آنها را آشکار می‌سازند. بنابراین، دیدن هرزه‌نگاری که اکثر آنها رفتارهای نابهنجار را به تصویر می‌کشد، موجب فعال شدن عقده‌های روانی و عدم رشد جنسی می‌شود که در میلیون‌ها نفر وجود دارد.

او این افراد را معتادان به هرزه‌نگاری می‌داند که در پی توسعه آن با دیدن هرزه‌نگاری‌های بیشتر هستند. این محرک هرزه‌نگاری، رفتار تهاجمی را ترویج می‌دهد و از رفتار بالغانه می‌کاهد. دکتر ووث چنین مسأله‌ای را خصوصاً برای جوانانی که در آستانه ورود به یک زندگی فعال جنسی هستند، مضر می‌داند.

برای آنها این روندهای حساس باید به سمت رشد و بلوغ بیشتر هدایت شوند، نه به صورت قهقراپی به سمت اعمال جنسی بی‌ارزش و نابهنجاری‌های کوتاه مدت. دکتر ووث تأکید می‌کند: «هم جامعه و هم افراد، مانند یکدیگر، هنگامی که ما این رفتار نامشروع را مشروع سازیم، آسیب خواهند دید.»



دکتر ووث همچنین می‌گوید که برخی مردان، بعد از دیدن اعمال غلو شده جنسی در فیلم‌های مستهجن، از زنان خود ارضا نمی‌شوند و آنها را ناکافی می‌دانند (و برعکس). او پیشنهاد می‌کند که جامعه باید خودش از خودش محافظت کند یعنی این که خود را از عناصر موجود در جامعه که به آن آسیب وارد می‌کنند، خلاص کند.

دکتر ووث هرزه‌نگاری را باعث ایجاد تمایل جنسی به بدترین نحو آن می‌داند، و از آنجا که تمایل جنسی در دوران بلوغ برای علقه‌های ناهمجنس خواهی و زندگی خانوادگی ضروری هستند، او معتقد است که گام‌هایی باید برداشته شود تا به وضوح، هویت هرزه‌نگاری، ناسالم تشخیص داده شده و مخاطرات استفاده از آن گوشزد شوند.

### شرطی سازی نابهنجاری

اطلاعات دیگری از آزمایشگاه‌های شرطی سازی محققانی همچون دکتر استنلی راجمن، جمع آوری شده است. دکتر راجمن در تحقیقات خود نشان داده است که استفاده فراوان از تصاویر شهوت برانگیز، موجب ایجاد نابهنجاری‌های جنسی در مردان بزرگسال در یک محیط آزمایشگاهی می‌شود. او فی الواقع قادر بود تا در دو آزمایش کاملاً مجزا، ۱۰۰ درصد سوژه‌های مرد خود را نسبت به انحرافات جنسی شرطی کند.

به علاوه، مطالعه آر.ال. مک گویر، نویسنده مقاله «یک فرضیه: انحرافات جنسی به هنگام شرطی ساز رفتار»، نشان می‌دهد که در معرض تجربه‌های خاص جنسی قرار گرفتن (که می‌تواند شامل مشاهده هرزه‌نگاری هم باشد) و سپس با تصور آن در ذهن، استمنا کردن، برخی اوقات می‌تواند به انجام فعالیت‌های نابهنجار جنسی منجر شود.

نوشته‌های فراوان در زمینه روان درمانی انحرافات جنسی، بیان می‌کند که تشخیص موقعیت جنسی آنها، برخی اوقات با استفاده از فیلم‌های قبیح جنسی به عنوان ابزار درمان، می‌تواند تغییر کند (دوباره شرطی سازی شود).

اگر این اطلاعات صحیح باشند، آن گاه باید این امکان را هم در نظر گرفت که مشاهده عامدانه یا تصادفی هرزه‌نگاری یا تجربه‌های جنسی منحرف در زندگی واقعی نیز می‌توانند تسهیل کننده شرطی سازی افراد نسبت به انحرافات جنسی باشند.

پاتریک کارنس، روان شناسی که اکنون برجسته ترین محقق آمریکایی در زمینه اعتیاد جنسی به شمار می‌رود، مجموعه ای از کتاب‌های تحقیقی و اطلاعاتی منتشر کرده است که مسأله رفتار نابهنجار و غیرقابل کنترل جنسی را به آگاهی عموم رسانده است. او در آخرین مقاله خود، مجموعه‌ای از عواقب قانونی زناشویی و خطرات چنین اعتیاداتی را به طور مستند ارائه کرده است.

او دریافته بود که از میان ۹۳۲ معتاد جنسی که آنها را مورد مطالعه قرار داده، ۹۰ درصد مردان و ۷۷ درصد زنان، هرزه‌نگاری را عامل اصلی اعتیاد خود می‌دانستند. او همچنین فهمیده

بود که دو عامل ابتدایی رفتارهای اعتیاد جنسی، سوء استفاده جنسی در دوران کودکی و دیدن دائمی هرزه‌نگاری‌ها به همراه استمنا هستند.

جالب آنکه، دکتر کارنس دریافته بود که بسیاری از روان پزشک‌ها، روان درمانگرها و مددکاران اجتماعی، از اعتیادات جنسی و ابراز نادرست رفتار جنسی رنج می‌برند.

وی می‌گوید: یکی از یافته‌های نظرسنجی ما نشان می‌دهد که زنان معتادی که درخواست کمک می‌کنند، اغلب توسط روان درمانگرهای خود مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند.

همچنین نرخ بیمه‌های طبابت اشتباه روان درمانگرها، طی سال‌های اخیر شدیداً افزایش پیدا کرده است که علت آن تا حدی به خاطر دعوای حقوقی درباره سوء استفاده جنسی آنها از همکاران یا بیماران خود می‌باشد. این تحقیق همچنین می‌گوید که رفتار نابهنجار جنسی، حتی برای کارورزان نهاد روان شناسی هم مشکل بزرگی است.

کلیه انحرافات جنسی، ظاهراً رفتارهای آموخته شده هستند، بهترین مستندات می‌گویند که اکثر یا همه انحرافات جنسی، رفتارهای آموخته شده ای هستند که معمولاً از طریق شرطی سازی‌های ناخواسته یا اتفاقی حاصل شده اند. تا کنون هیچ دلیل قانع کننده ای درباره انتقال ارثی الگوهای رفتار جنسی بیمارگونه، همانند تجاوز جنسی، زنا با محارم، میل جنسی به کودکان، عورت نمایی و بی بند و باری جنسی، ارائه نشده است.

همان طور که مک گویر تشریح کرده است، هنگامی که مردی دائماً همراه با تخیلات واضح جنسی استمنا کند و آن را راه منحصر به فرد خروج شهوت خود قرار دهد، این تجربه‌های لذت بخش منجر به تخیلات منحرف (زنا، تجاوز به کودکان، آسیب وارد آوردن به طرف مقابل به هنگام عمل جنسی و...) و افزایش ارزش شهوت در نزد او می‌شود. اوج لذت جنسی که پس از آن تجربه می‌شود، باعث تقویت تعقیب تخیل پردازی یا عمل همراه با آن می‌شود.

مک گویر اشاره می‌کند که هرگونه انحراف جنسی که بدین طریق حاصل شود، می‌تواند شامل چندین انحراف نامربوط در یک فرد باشد و حتی با احساس شدید گناه هم محو نخواهد شد. در مقاله او، بسیاری از موارد تاریخی برای تبیین این شرطی سازی آورده شده است.

دیگر مطالعات مرتبط انجام شده توسط آقایان ایوانز و جکسون، از فرضیه مک گویر پشتیبانی می‌کنند. آنها دریافته اند که خیال پردازی نابهنجار و استمنا، تأثیر بسیار شدیدی بر عادی شدن انحراف جنسی دارد.

### نقش بستن تصاویر جنسی در مغز

در این جا بهتر است که به تجربه دکتر روان شناس، چیز مک گاف در دانشگاه کالیفرنیا بپردازیم. یافته‌های او (که بسیار ساده شده اند) نشان می‌دهند که خاطرات تجربه‌هایی که به هنگام تحریکات احساسی (مثل تحریک جنسی) رخ می‌دهند، توسط هورمون غده آدرنال در مغز می‌نشینند و پاک کردن آنها دشوار است. این فرض می‌تواند تا حدودی اثر اعتیاد به هرزه‌نگاری را توصیف کند.

خاطرات نیرومند تحریکات جنسی از تجربه‌های گذشته، خودشان را در صحنه مغز حفظ می‌کنند و مرتباً به ذهن خطور می‌کنند و فرد را از لحاظ شهوانی تحریک می‌کنند. اگر او به هنگام این تخیلات، استمنا کند، باعث تقویت پیوند بین تحریک جنسی و اوج لذت جنسی می‌شود که همراه با منظره ویژه یا تکرار پی در پی آن صحنه در ذهن خواهد بود.

در حال حاضر چندین هزار سایت اینترنتی وجود دارد که حاوی تصاویر مستهجن جنسی است. تصاویر موجود در این سایت‌ها بسیار وقیح و زننده است. اگر تا پیش از این، استفاده ابزاری از زنان در تبلیغ لباس و کالاهای لوکس معمول بود، این سایت‌ها پا را فراتر نهاده و صحنه‌های ارتباط جنسی را به طور آشکار تبلیغ می‌کنند، محققان و روان‌شناسان برجسته، نقش و تأثیر این تصاویر را بر نوجوانان بررسی نموده و در پایان کلام، نکاتی را به والدین متذکر می‌شوند که بسیار مفید و ارزشمند است.

مطالعات دقیق و گسترده‌ای در طول این سال‌ها در این باره صورت نگرفته است ولی روان‌شناسان شبکه ای‌بی‌سی نیوز (ABC NEWS)، بر اساس تجربیات خود در مواردی که با کودکان سروکار داشته‌اند، متفقاً بر این باورند که پسرانی که با تصاویر خشونت‌آمیز و مستهجن سروکار داشته‌اند، اغلب انگیزه‌های بوالهوسانه‌ای نسبت به دختران دارند؛ در عین حال، دختران نیز پاسخ مثبتی به این گونه تمایلات پسران نشان می‌دهند.

مری والاس نویسنده و روان‌پزشک کودک و خانواده چنین می‌گوید: «این گونه تصاویر، جنبه بسیار نامطلوب مسایل جنسی را که به هرزگی می‌انجامد- منتقل می‌کند. چیزی فراتر از دلبستگی ساده به قد و بالای یک شخص که چاشنی آن یک ارتباط عاشقانه باشد.»

روان‌شناسان معتقدند: گذشته از آسیب‌های عاطفی و روانی احتمالی این تصاویر بر جوانان و نوجوانان و نیز علاوه بر خطر آسیب‌های جسمانی که به دلیل روابط جنسی به وقوع می‌پیوندد، باور این که به تصویر کشیدن صحنه‌های تجاوز جنسی در بعضی سایت‌ها یا تصاویر



ارتباط جنسی نوجوانان با بزرگسالان پدیده‌ای نرمال و خالی از اشکال است، بسیار خطرناک‌تر می‌باشد.

دکتر کن‌هالر استاد دانشکده پزشکی دانشگاه سنت لوئیس که در آکادمی طب اطفال مشغول بوده و اخیراً اقدام به بررسی تأثیر رسانه‌ها- اعم از اینترنت و غیره - نموده است، چنین می‌گوید: « اگر نوجوانان فقط سراغ اطلاعات کاملاً عریان و فیلتر نشده یا تصاویر سانسور نشده وبسایت‌ها بروند و اصلاً توجهی به (عناوین) و اطلاعات مفید و قابل اطمینان نداشته باشند، مرتکب اشتباه محض شده‌اند.» دولت آمریکا با نظر به این نگرانی‌ها، به عنوان بخش مهمی از تلاش‌های دولت در این خصوص، نسبت به اجبار کتابخانه‌های عمومی و مدارس در نصب فیلتر بر روی کامپیوترهای مورد استفاده عموم یا دانش‌آموزان اقدام نمود.

### تحقیقات اولیه

علی‌رغم شواهد موجود، مانند آن چه ذکر آن گذشت و دیگر موارد مشابه موجود و نیز تجربیات روان‌شناسان کودک و خانواده، باید گفت: تحقیقی برای بررسی تأثیر مخرب عکس‌های مستهجن بر نوجوانان به چشم نمی‌خورد؛ ولی مؤسسات ملی سلامتی، طرح پنج‌ساله‌ای برای انجام تحقیقات و آزمایشات در این خصوص در نظر گرفته‌اند.

رالف دیکلمنت دانشمند رفتارگرای دانشگاه «اموری» که بودجه سه میلیون دلاری را از مؤسسه ملی سلامت دریافت کرده است، خاطرنشان می‌کند که این تحقیق درصدد است با اقدام به ردیابی سایت‌هایی که نوجوانان به سراغ آن‌ها می‌روند و نیز تمایلات روزافزون آن‌ها به مسأله سکس و ارتباطات جنسی، میزان تأثیر اینترنت بر سلامت اخلاقی هزار نوجوان بالغی را که به طور تصادفی انتخاب می‌شوند و از قرار معلوم با مفاهیم جنسی در اینترنت سروکار داشته‌اند، بررسی نماید.

او می‌گوید: اطلاعات جدید نشان می‌دهد که ۶۰-۷۰ درصد نوجوانانی که سراغ شبکه اینترنت می‌روند، در مواجهه با سایت‌های مستهجن‌نگار دچار هیجان می‌شوند- خواسته یا ناخواسته- و حتی اگر به خودی خود تحت تأثیر چهارصد هزار سایت فعال در این گونه مسائل به خطا و لغزش نیفتند، ممکن است با دریافت آدرس پایگاه‌های مستهجن از طریق پست الکترونیکی دچار هیجانات عصبی شوند. وی به تحقیقات بسیاری اشاره می‌کند که به تأثیر خشونت در فیلم‌های سینمایی و تلویزیون بر نوجوانان پرداخته‌اند.

بسیاری از این تحقیقات بیان داشته‌اند که هر چه نوجوانان بیش‌تر به تماشای خشونت بنشینند و به تبع آن هر چه این صحنه‌ها و تصاویر را بیش‌تر مجسم نمایند، احتمال بروز رفتارهای عصبی و خشونت‌آمیز در آن‌ها بیش‌تر است.

بر اساس گزارش منتشر شده از سوی متولیان بخش بازرگانی در ماه فوریه، نود درصد کودکان بین ۵-۱۷ سال به کامپیوتر دسترسی داشته و ۷۵ درصد نوجوانان ۱۷-۱۴ ساله به طور منظم از کامپیوتر استفاده می‌کنند. این آمار در واقع ارقام فعلی است و در آینده انتظار رشد آن نیز می‌رود.

### خطر زیربنایی

آن چه باعث دغدغه خاطر پزشکان شبکه ای‌بی‌سی نیوز (ABC NEWS) شده و آن‌ها را بر آن داشته تا در این زمینه صحبت به میان آورند، صرفاً مسأله نگاه کردن کودکان به تصویر افراد عریان و یا حتی دیدن تصاویر مستهجن نبوده، بلکه مسأله مهم‌تر، نوع تصاویری است که شایع شده است.

نگرانی نسل‌های گذشته والدین این بود که مبادا فرزندان آن‌ها مبادرت به خرید مجله‌ی مثل پلی‌بوی نمایند، اما نکته‌ای که مطرح هست این است که اگر تصاویر محرک زنان عریان در ساحل دریا، داخل حمام و یا در تخت‌خواب، بیان‌کننده استفاده ابزاری جنسی از زنان در آن مجلات بود، بعضی وبسایت‌های فعال در این عرصه، تمام توان خود را بر استفاده‌ی ابزاری این چنین مصروف داشته‌اند.

دیکلمنت می‌گوید: «اکثر مجلات به طور خاص ویژه زنان بود. تصاویر زنان در آن‌ها تا حدودی نیمه‌عریان بوده و این گونه لباس پوشیدن آن‌ها برای تبلیغ نوعی لباس خاص بود. اینترنت، زنان و مردان زیادی را در حال ارتکاب اعمال جنسی به تصویر می‌کشد. افرادی را نشان می‌دهد که در حین فعالیت جنسی مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و یا کسانی که با حیوانات مقاربت جنسی داشته‌اند.

«این سلسله مسایل به گونه‌ای نیست که در قالب نمودار بیان شود، علاوه بر آن، بهره‌گیری از امکانات سمعی و بصری این وبسایت‌ها، چیزی معادل تورق و مشاهده شش صفحه از آن مجلات است که حقیقتاً تکان دهنده است.»

دست‌اندرکاران سایت‌های مستهجن انگار نمی‌توانند این گونه اقدامات را به عنوان جهان‌بینی خود طرح کنند، چرا که آن‌ها اصلاً جهان‌بینی ندارند؛ اما قصدشان این است که این

قبیل مسایل را جزء اصلی جهان بینی فرد کنند [مسلماً] تغییر باورها و نگرش‌های شکل گرفته افراد، بسیار سخت‌تر از القای نگرش‌های سالم برای رویارویی آن‌ها با این گونه تصاویر ترسیم شده است. به ویژه که در مورد کودکان زیر سن بلوغ و نوجوانانی که در آستانه بلوغ قرار دارند، می‌تواند باعث تجربه زود هنگام مفهوم ارتباط - عاطفی و فیزیکی - آن‌ها با دخالتهای عوامل بیرونی گردد.

دکتر «مارک سوسین» رئیس انجمن روان‌شناسان نوزادان و کودکان نیویورک چنین می‌گوید: «این قبیل مسایل با پرکردن خلایقی که با رویاها و خیالات کودک پر می‌شوند و به کمک تصاویر عینی که تا به حال به ذهن کودک خطور نکرده، خواب و خیال او را به یغما می‌برند.»

### فیلتری میان گوش‌های فرزندان

با کلیک کردن روی سایتی که مملو از (تصاویر) زنانی است که در کنار کاهدان حیوانات مرتکب اعمال جنسی با آن‌ها شده و یا مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، به این نکته می‌توان پی‌برد که صرف این که نوجوانانی قوه تشخیص رابطه عاشقانه سالم از ناسالم را پیدا کنند و یا کسی را دارند که این مسایل مخرب و مفسده انگیز را با او در میان گذارند، نمی‌توان آن‌ها را به حال خودشان رها کرد و مراقبشان نبود. البته این یک قاعده کلی نبوده و در مورد همه نوجوانان صادق نیست. سوسین می‌گوید: «نوجوانانی که تصور و احساس درستی از ارتباط نداشته و اصولاً نمی‌دانند که در رابطه عاشقانه، ارتباط جنسی سالم و نرمال چیست؟ به نظر من این افراد نه تنها با دیدن صحنه‌های جنسی هیجان زده می‌شوند، بلکه ممکن است این قبیل روابط را به سان الگوی رابطه عاشقانه تلقی کنند. هم چنین اینترنت امکان بهره‌گیری از بازی‌هایی را برای کودکان فراهم می‌آورد که آن‌ها را به مراحل خطرناکی می‌کشد. امکان ورود به تالارهای گفت‌وگو، فرصتی برای آن‌ها ایجاد می‌کند که شخصیتی مجازی و نقشی را به خود بگیرند که برگرفته از سایت‌های قانونی است. شیوه بازی آن‌ها نیز برگرفته از فیلم‌های سینمایی و یا شوهای تلویزیونی است که تماشا کرده‌اند.»

دیکلمنت معتقد است: «شما می‌توانید این فاصله را پر کنید. متأسفانه تا زمانی که شما در اتاق یک متل یا مغازه بستنی فروشی نشسته‌اید یا مشغول تماشای تئاتر هستید، قادر به تمیز میان واقعیت و تخیل نیستید و نابرابری آشکار قدرت و جنسیت، خطراتی را در آستین دارد که بسیار نگران کننده است.»

روان شناسان و متخصصان اینترنت بر این باورند که زمانی که والدین تصمیم می‌گیرند دست به اقداماتی مثل نصب فیلترهای اینترنتی زده و یا کامپیوتر را در قسمتی از منزل قرار دهند که قادر باشند به طور اتفاقی و زیرچشمی مراقب صحنه‌هایی باشند که نوجوانان مشغول تماشای آن هستند، این تکنولوژی نیست که به کمک آنها می‌آید، بلکه بهترین راه حل برقراری ارتباط [عاطفی] است.»

باید پذیرفت که وقتی نوجوانان به دنبال تصاویر مستهجن باشند، بالاخره به آن دست خواهند یافت. لذا بهترین فیلتر، آن فیلتری است که میان گوش‌های فرزندان شما قرار گیرند. فعال سازی این فیلتر، والدین می‌بایست راجع به مسایل جنسی با فرزندان خود صریح و بی‌پرده صحبت کنند. مفهوم مسایل جنسی و ارتباط آن با روابط عاشقانه را نیز بیشتر تشریح نمایند.

سوسین می‌گوید: «والدین واقعاً می‌توانند نکاتی را در مورد عشق سالم به فرزندان خود گوشزد کنند. این کار در عین بازدارندگی، آنها را از خطر مصون می‌دارد.»

### قدم‌هایی که والدین باید بردارند

سوسین ادامه می‌دهد: «البته بحث راجع به مسایل جنسی، برای بسیاری از افراد سنگین و مشکل بوده و پرداختن به آن خارج از چارچوب اخلاقی است، اما هر چه پدر و مادرها پاسخ روشن‌تری به سؤالات کودکان خود بدهند، صادقانه‌تر برخورد کنند، کم‌تر حالت قضاوت‌گونه به خود گیرند و نیز اطلاعات دقیق‌تری راجع به محتوای شبکه اینترنت داشته باشند، خیلی به هدف نزدیک شده‌اند. والدین می‌بایست ابهامات را برطرف کنند و کنج‌کاوای کودکان را برای گفتمان راجع به وقایع اطرافشان و نیز ارتباط خصوصی و شخصی آنها را برانگیزانند.»

هالر می‌گوید: «والدین باید در مورد سایت‌هایی که فرزندانشان بازدید می‌کنند، با آنها صحبت کنند و راجع به شناخت خود نسبت به سایت‌های مورد بازدید آنها کاملاً مطمئن شوند و حتماً به آن سایت‌ها سرکشی کنند.»

وی معتقد است: «اگر والدین به موردی غیر اخلاقی برخورد کردند، وظیفه آنهاست که احساس خود را به زبان بیاورند. این پدر و مادر هستند که باید رشته کلام را به دست گرفته و خطاب به فرزندان خود بگویند: چه دیدی؟! نظرت راجع به آن چیه؟ به نظرت راه برقراری ارتباط اینه؟»

دی‌کلمنت نیز چنین می‌گوید: «ما باید تلاش کنیم و اگر دیر بجنبیم، دیر جنبیدن ما خلایی ایجاد می‌کند که وسایل ارتباط جمعی به سرعت آن را پر می‌کنند. باید فضایی ایجاد کنیم که نوجوان احساس کند، تحت هر شرایطی ما تکیه‌گاه قابل اعتماد او هستیم، تکیه‌گاهی دلسوز که می‌تواند به او رو کند. اگر چنین نشود، شخص ثالثی در چتروم‌های شبکه‌های اینترنت منتظر آن‌ها خواهد بود.»

در برابر این تهدیدها والدین می‌توانند با نقش نظارتی خود مانع بسیاری از انحرافات شده و با انجام تمهیداتی مناسب، محیطی امن را در اینترنت برای فرزند خویش ایجاد نمایند. این موضوع باید پذیرفته شود که در این عصر اتصال به اینترنت امری اجتناب‌ناپذیر است. پس والدین باید با مدیریت خویش بر کار فرزندان خود در دهکده اطلاعات نظارت کنند. مدیریت و نظارت والدین بر شبکه اینترنت راه‌های متعددی اعم از حضوری، فنی و تخصصی، تربیتی و ارشادی دارد که می‌توانند اعم از متخصصان امر، مشاوره‌های لازم را دریافت کنند.

اما نقش مسئولان، بسیار حیاتی است. مسئولان ابتدا باید با اجرای طرح فیلترینگ قدرتمند جلوی استفاده از پایگاه‌های خلاف اخلاق و عرف را بگیرند. دوم این‌که باید با تأسیس پایگاه‌های مختلف و جذاب و مناسب سنین مختلف و ارائه مطالب مفید و نیز اعلام هشدارهای جدی در مورد سوء استفاده‌های اینترنتی، به معرفی فرهنگ ناب اسلام و تشیع و بیان افتخارات ملی و مذهبی و آرمان‌های انقلاب شکوهمند اسلامی پرداخته، محیط را برای رشد فکری، علمی و جسمی فرزندان میهن اسلامی مان فراهم سازند.

می‌توان از دوران مدرسه فرهنگ استفاده از امکانات نوپدید را آموزش داده و کتب درسی با عنوان فناوری اطلاعات در مدارس تدوین و تدریس شود و در آن‌جا به فرصت‌ها و تهدیدهای این دانش جدید پرداخته گردد و فرزندان را با مزایا و آسیب‌های آن آشنا نمایند.

### نقش تلویزیون در بلوغ زودرس



تحقیقات گروهی از پژوهشگران دانشگاه فلورانس روی عوارض جانبی اشعه تلویزیون روی ۷۴ کودک بین سنین ۶ تا ۱۲ سال نشان داده است که این کودکان ممکن است در سنین غیرطبیعی و زودتر از موعد معمول، وارد سن بلوغ شوند.

این گروه پژوهشگران، تعدادی از کودکان را که

عادت داشتند هر روز سه ساعت تلویزیون تماشا کنند، به مدت یک هفته از تماشای تلویزیون و بازی‌های ویدیویی محروم کردند. طی این مدت معلوم شد سطح هورمون ملاتونین که به آن هورمون خواب نیز گفته می‌شود در بدن این کودکان حدود ۳۰ درصد افزایش یافت. کاهش این هورمون باعث جلو افتادن سن بلوغ می‌شود. در این پژوهش، تلویزیون تنها به عنوان منبع نور و پرتوافشانی و تاثیر آن بر روی ترشح هورمون ملاتونین مورد بررسی قرار گرفته و پیامدهای روانی و تربیتی آن روی کودکان مد نظر نبوده است.

بسیاری از محققان معتقدند که قرار گرفتن در معرض صحنه‌های خشونت‌بار و جنسی، تأثیرات روانی مخربی بر کودکان دارد.

والدین کودکانی که مورد آزمایش قرار گرفتند، کتابخوانی، بازی‌های مشترک با کودکان، نمایش سوال و پاسخ را شبیه آنچه در تلویزیون برگزار می‌شود جایگزین تلویزیون و کامپیوتر کردند. بدین ترتیب کودکان احتمالاً از این روش به اندازه‌ای راضی و همچنین خسته شده بودند که زودتر نیز به خواب رفتند و از این طریق میزان ملاتونین بدن آنها نیز افزایش یافت. طبیعی است که نمی‌توان از طریق آزمایش، یک رابطه مستقیم علت و معلولی بین دیدن تلویزیون و میزان ملاتونین ثابت کرد اما اینکه کودکان امروزه دیرتر به رختخواب می‌روند مطمئناً با رسانه‌هایی چون تلویزیون و همچنین اختراع برق اندکی در ارتباط است.



### نقش ماهواره در بلوغ زودرس

نیازهای گوناگون و روزافزون انسان‌ها، سبب رشد کمی و کیفی رسانه‌ها شده است. در این میان، پیشرفت‌های غیرمنتظره و نوین در زمینه ارتباطات، به وسیله رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و نظایر آن، دگرگونی‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی را به همراه آورده و این پرسش را پیش

روی ما نهاده است که به منظور هم‌گام شدن با آن‌ها و بهره‌وری مطلوب از آن‌ها، باید چه شیوه‌ها و ابزارهایی را برگزید تا در جامعه نیز فضایی درخور پذیرش آن‌ها به وجود آید. در این گفتار، بیش‌ترین توجه به ماهواره و نقش آن در جامعه، بویژه در سال‌های نوجوانی و جوانی معطوف شده است.

#### \* ماهواره؛ خوب، بد

ماهواره، یکی از رسانه‌های قدرتمند ارتباط جمعی به شمار می‌آید. این ابزار، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود، قادر است پیام‌های تصویری را به دورترین نقاط منتقل کند و تعداد بی‌شماری از افراد را در سراسر دنیا مورد خطاب قرار دهد. همچنان که ماهواره می‌تواند در هشیار کردن، اطلاع‌رسانی و درحوزه‌ی پژوهش، سیاست و... نقش مهمی داشته باشد؛ برنامه‌های تخریبی و ناپهنجاری نیز دارد؛ تا جایی که برخی از جامعه‌شناسان و کارشناسان فرهنگی را برآن داشته تا برای مصونیت جامعه انسانی، بویژه نهاد خانواده چاره‌اندیشی کنند. بدین ترتیب، تاثیر برنامه‌های این ابزار قدرتمند بر افکار عمومی و عملکرد آن را بویژه از نظر تربیتی و جامعه‌پذیری نباید از نظر دور داشت.

#### \* جالب است بدانید:

۱. گذراندن وقت بیش‌تر برای تماشای ماهواره، نشان دهنده علاقه کم‌تر به مطالعه است و به احتمال زیاد، فرد را تنبل و از نظر روانی، منفعل بار می‌آورد، فعالیت ذهنی را کند و روح انسان را مسخ می‌کند. ماهواره، مبلغ پرخاش‌گری و ستیزه‌جویی است و گاه انسان را به ترس از خشونت واقعی مبتلا می‌سازد؛ بدین معنا که فرد از جنگ و مبارزه واقعی می‌هراسد.
۲. تماشای تصویرها و فیلم‌های مبتذل، کم‌کم انسان را معتاد می‌کند؛ به گونه‌ای که اگر فرد روزی به سراغ ماهواره و عکس‌های مبتذل آن نرود، در زندگی خود احساس کمبود می‌کند و حالت کسالت به او دست می‌دهد.

۳. تماشای صحنه‌های مبتذل، ذهن و اندیشه انسان را تسخیر می‌کند. فردی که خود را به دیدن اینگونه تصویرها عادت داده است، به کار و فعالیت سازنده اقتصادی بی‌ رغبت می‌شود.
۴. ماهواره، موجب از بین رفتن حجاب‌های اخلاقی و دینی از بسیاری مسائل، بویژه در زمینه‌های جنسی و خشونت می‌شود. در گذشته، دنیای ناشناخته و اسرارآمیز زندگی بزرگسالان، آن‌ها را از کودکان و نوجوانان متمایز می‌ساخت و به عبارت ساده تر، این تفکیک، بر پایه شرم استوار بود. کودکان و نوجوانان، درباره مسائل جنسی، پول، خشونت، بیماری، مرگ و نظایر آن، لب فرو می‌بستند؛ اما به تدریج و با کسب آگاهی‌های جدید از راه ماهواره، همه آن نوع رازداری‌ها به فراموشی سپرده می‌شود.
۵. بلوغ زودرس، از دیگر پی‌آمدهای دیدن چنین تصویرهایی به شمار می‌رود. به طور طبیعی، اگر نوجوان یا جوانی که چنین صحنه‌هایی را می‌بیند، شرایط ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی را نداشته باشد، خواهد کوشید عطش کاذب خود را از راه‌های دیگر فرو نشاند. این جاست که مشکلات اخلاقی دیگری مانند روابط نادرست و... پدید می‌آید.
۶. کودکان و نوجوانان، به علت هزینه کردن وقت زیادی برای تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای که تا پاسی از شب ادامه می‌یابد، صبح‌ها با تاخیر به کلاس درس می‌آیند و خواب آلود هستند؛ در نتیجه، بیش‌تر این افراد، عملکرد نامطلوبی در مدرسه دارند.
۷. نقش ماهواره در تغییر ماهیت افکار عمومی پیرامون مسائل سیاسی و اقتصادی، قابل توجه است. تصمیم‌گیری و اظهار نظر افراد در این زمینه‌ها، برخاسته از احساسات ناشی از تبلیغات است؛ زیرا تماشای تصاویر، قدرت تفکر و تعمق را از فرد سلب می‌کند و در عوض، روند تصمیم‌گیری او را با احساسات و عواطفی که از تماشای تصاویر به وجود می‌آیند، تحت تاثیر قرار می‌دهد.
۸. ماهواره، واقعیت‌ها را آن‌طور که باید و شاید به تصویر نمی‌کشد. گاهی، بنگاه‌های استعماری و... هستند که مسائل را بزرگ و کوچک می‌نمایند و به افراد، مجال تأمل و تفکر و آزادی بیان جزئیات را نمی‌دهند؛ زیرا رابطه میان ماهواره و مخاطب، رابطه‌ای یک سویه است و در این فرآیند پیام رسانی، تعیین نوع پیام‌ها و آگاهی‌ها، در اختیار فرستنده است و گیرنده پیام، به گونه‌ای خنثی و منفعل آن‌را دریافت می‌کند.
۹. همانگونه که اعتیاد به مواد مخدر، ویران‌گر بنیادهای اخلاقی و خانوادگی و اجتماعی است، استفاده و اعتیاد به برنامه‌های مخرب ماهواره‌ای نیز ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی و اجتماعی را به شدت تهدید می‌کند و بسیاری از افرادی که زمان زیادی از شبانه روز را به



تماشای برنامه‌های ضد اخلاقی ماهواره و اینترنت اختصاص می‌دهند، به یقین، از همین راه، به انحراف‌های گوناگون، آلوده می‌شوند.

### راهکارهای اصلاحی

الف) رسالت اصلی مسئولان فرهنگی، ایمن‌سازی افراد، بویژه جوانان و نوجوانان در برابر هجوم بیگانگان و افزایش قدرت مقاومت آنان است. ایمن‌سازی نیز تنها با برنامه‌ریزی هم‌آهنگ و درازمدت، برای فرهنگ‌سازی دینی، گسترش شناخت معارف الهی و تنومند ساختن باورهای اصیل مذهبی در جامعه، میسر است که می‌تواند با گذشت زمان، افراد جامعه را به خودآگاهی و خودباوری برساند.

به دیگر سخن، نوجوانان باید به گونه‌ای تربیت شوند که آگاهانه و با اختیار کامل، از آلودگی و گناه بپرهیزند. از برخوردهای فیزیکی و محدودیت‌آفرینی در استفاده از ماهواره و اینترنت و... نیز تنها باید به عنوان برنامه تکمیلی و یکی از راه‌های ایمن‌سازی، بهره برد.

ب) اگر محدودیت‌آفرینی در استفاده از برنامه‌های ماهواره، بدون جای‌گزین کردن برنامه‌های سازنده و مورد علاقه جوانان باشد، به نتیجه نخواهد رسید و جوانان به انحراف‌ها و مشکلات دیگری دچار خواهند شد. بنابراین، با انتخاب برنامه‌های مناسب یا جای‌گزین کردن فعالیت‌های دیگر به جای تماشای برنامه‌های ویران‌گر ماهواره‌ای، می‌توان از پی‌آمدهای منفی آن‌ها پیش‌گیری کرد.

ج) باید برای رشد فرهنگ اسلامی در جامعه، تلاش شود. در این راه، از روش‌های زیر می‌توان بهره گرفت:

- \* عمل به ارزش‌های مکتبی و ملی از جانب مسئولان نظام
- \* برداشتن محدودیت‌های غیرضروری در زمینه‌های گوناگون، تا آن‌جا که به رواج ضد ارزش‌ها نیانجامد
- \* تهیه فیلم‌هایی با موضوع‌های متناسب با تعلیم و تربیت اسلامی
- \* ارایه‌ی برنامه‌های مناسب از تلویزیون
- \* تهیه‌ی نوارهای ویدیویی مجاز و...

### تأثیر فیلم‌های مستهجن بر دختر و پسر



تأثیرات مشاهده عکس‌های محرک احساسات جنسی، کاملاً تدریجی است. هر قدر کودک و نوجوان بیشتر در معرض پورنوگرافی قرار بگیرد، ذهنیت بسیار خطرناکی پیدا می‌کند این افراد به جایی می‌رسند که فکر می‌کنند رابطه جنسی بدون قبول مسئولیت و رعایت چهارچوب‌های اخلاقی کاری پسندیده و خوشایند است چرا که پورنوگرافی، رابطه جنسی بدون وجود هرگونه مسئولیتی را ترویج می‌دهد و این امر

می‌تواند سلامت کودک و نوجوان و خانواده و جامعه را به طور جدی به خطر بیندازد. بیشتر والدینی که به فرزندان خود اهمیت می‌دهند، تمایل دارند به تدریج مسائل مربوط به روابط با جنس مخالف، رابطه جنسی، صمیمیت، عشق و ازدواج را با آنها در میان بگذارند. اما متأسفانه ترویج بیش از اندازه مسائل جنسی به صورت عکس و یا فیلم ممکن است کودک را بیش از پیش تحت تأثیر خود قرار دهد. همان قدر که یک آگهی تبلیغاتی ۳۰ ثانیه‌ای می‌تواند نظر ما را در مورد خرید یک نوشابه تغییر دهد، مشاهده تصاویر محرک جنسی نیز می‌تواند ارزش‌ها و نگرش‌های کودک و نوجوان و جوان را به کلی دگرگون کند.

عکس‌ها، فیلم‌ها، بازی‌ها و پورنوگرافی در اینترنت ابزاری قدرتمند در تغییر شکل دادن نگرش‌ها و آگاهی‌های کودک از رابطه جنسی می‌باشد. حداقل تأثیری که این امر می‌تواند بر روی افراد بگذارد، تغییرات فاحش در شیوه نگرش و رفتار آنها است که این امر با مشاهده تصاویر محرک جنسی تسریع خواهد شد.

زمانی که انسان‌ها در معرض تصاویر پورنوگرافی قرار می‌گیرند:

- ۱- نسبت به برقراری رابطه جنسی با جنس مخالف بی‌احساس می‌شوند.
  - ۲- تمایل بیشتری به روابط منحرف‌تر، عجیب‌تر و خشن‌تر پیدا می‌کنند (رابطه جنسی معمولی حس رضایت آنها را جلب نمی‌کند).
  - ۳- رابطه همسری در نظر آنها ارزش خود را از دست می‌دهد و نمی‌توانند برای مدت طولانی در یک رابطه مستحکم باقی بمانند.
- گسترش روز افزون فناوری نیز تأثیر به‌سزایی در آموزش رفتارهای غلط جنسی داشته است. در گذشته بسیاری از افراد به علت عدم آگاهی از بسیاری از مسایل جنسی، تمایل و

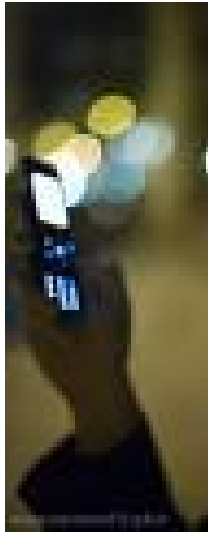
قدرت بروز برخی رفتارهای جنسی را نداشتند، اما امروزه با ورود ماهواره‌ها، حتی قبل از دوران بلوغ، شیوه‌های غلط ارضای غریزه را به نوجوانان ارائه می‌شود که این امر در برخی موارد پدیده "بلوغ زودرس" را به دنبال دارد.

در این شرایط و در خلاء آموزشی ایجاد شده، نقش گروه همسالان پررنگ شده و دوستان کم اطلاع، ماهواره و فیلم‌های مستهجن به عنوان منبع اطلاعاتی نوجوانان مطرح می‌شوند که این امر در نهایت بد آموزی و ناهنجاریهای رفتاری آنها را به دنبال دارد. در این شرایط عده قلیلی به همجنس‌گرایی کشیده (عموماً به علت عدم دسترسی به جنس مخالف و بیشتر در مناطق فقیرنشین و حاشیه شهرها) می‌شوند و دسته‌ای نیز به رفتارهای ضد اجتماعی دست می‌زنند که تعرض به محارم و زنان و دختران و ربایش آنها از مظاهر آن است.

پدیده ربایش زنان و تجاوز به عنف در سالهای اخیر گسترش یافته است که علت اصلی آن عدم امکان برقراری رابطه جنسی بوده است اما در برخی موارد این رفتار نه به علت عدم دسترسی به جنس مخالف، بلکه به دلیل عدم آگاهی و عقده‌های فروخورده عاملان این رفتار می‌باشد. بنابر این دیده شده که حتی کسانی که روابط لجام گسیخته با جنس مخالف دارند (در خبرها آمده بود چند کشتی گیر و بدنساز عضو سابق تیم ملی در ربایش دختران دست داشته‌اند) به علل روانشناختی چون بی‌اطلاعی، بیماری‌ها و عقده‌های روحی و روانی گذشته، دست به ربایش دختران و تجاوز به عنف می‌زنند.

در سالهای اخیر خبرهایی از ربایش و تجاوز به کودکان و پسران منتشر شده است که بیانگر شکل گیری رفتار جنسی نا به هنجار در قشری از جوانان است. علاوه بر آن عدم معرفی صحیح "هویت جنسی" به کودکان و نوجوانان، موجب سردرگمی و تظاهر عده‌ای از جوانان به رفتارهای جنس مخالف شده است، به گونه‌ای که به گفته برخی از روانشناسان اجتماعی برخی از آنها دارای تشکیلات، سایت و اعضای مشخص بوده و بعضاً نیز به همجنس‌گرایی کشیده می‌شوند.

### بولوتوت، فناوری مدرن اما شوم برای نوجوانان



موج نگران کننده تولید و گسترش بسیار سریع بولوتوت‌های ضداخلاقی در جامعه باید زنگ خطری جدی برای مسئولان فرهنگی کشور باشد. پیامدهای سیاسی و رسانه‌ای این پدیده هم قابل توجه است، زیرا این گونه مسائل به صورت قوی و پررنگ در رسانه‌های غربی منعکس می‌شود.

طی یکی دو ساله‌ی اخیر، قشر جوان و نوجوان جامعه به دلیل عدم آگاهی و بعضاً بی‌توجهی، بیشتر در معرض آسیب‌های روانی این قبیل بولوتوت‌ها قرار گرفته‌اند. مثل رقص کل‌کل یک و دو که حتی تا سایت صهیونیستی یوتیوب نیز کشانده شده است.

ابتدا به سراغ چند دانش‌آموز که در حال شوخی و خنده در پارک هستند، می‌روم. حداکثر ۱۸ سال دارند و مشخص است که در سال اول یا دوم دبیرستان مشغول به تحصیل‌اند.

می‌پرسم چند نفر از شما تلفن همراه دارید؟ بالاتفاق و با خنده جواب می‌دهند: «خاااااااااا، بگید کی نداره؟! با این ارزونی خط، مخصوصاً ایرانسل، تقریباً همه دارن.»

در ادامه می‌پرسم در مدرسه به شما اجازه‌ی آوردن موبایل می‌دهند؟ اگر بگیرند چه برخوردی می‌کنند؟ باز هم بالاتفاق و جیغ مانند و طوری که مشخص است دل‌پری دارند، پاسخ می‌دهند:

«نه خانم، اجازه نمی‌دن، اما ما قایم می‌کنیم. هرروز که نمی‌تونن ما رو بگردن. از هرکی هم بگیرن معمولاً چند روز ضبط می‌کنن و مامانا میان تعهد می‌دن و به خیر و خوشی تموم می‌شه.»

از مریم که در بین دختران جوان، شیطان‌تر از بقیه است و آرام و قرار ندارد، سوال می‌کنم چه استفاده‌ای از موبایل‌ات می‌کنی؟ «من بیشتر اس‌ام‌اس بازی می‌کنم. با صحبت کردن می‌ترسم اعتبارم تموم بشه. ضمناً اینم که به کی اس‌ام‌اس می‌دم جزء اسراره.» و با خنده‌ی همراه با آه ادامه می‌دهد: «خودم می‌دونم و خدای خودش.»

در ادامه مرضیه نیز حرفش را تأیید می‌کند و می‌گوید: با اینکه خط من همراه اوله، اما منم باز بیشتر از اس‌ام‌اس استفاده می‌کنم. چون پول قبض رو باید خودم از ماهیانه‌ام بدم.

احساس خجالت اولیه را از دست داده‌اند و انگار من را هم به جمع صمیمی خودشان راه داده‌اند. این را می‌توان از شوخی‌ها و اشتیاق‌شان برای ادامه‌ی سؤالات فهمید.

می‌پرسم «بچه‌ها، با بودن گوشی‌های مختلف که دوربین‌دار هم هستند و این که تصاویر و فیلم‌هایی که گرفته می‌شود در کمترین زمان ممکن پخش می‌شود، آیا در مدرسه و کلاس‌ها و پارک و کلاً در اجتماع احساس امنیت می‌کنید؟»

اول ترجیح دادند این طور وانمود کنند که ایرانی جماعت، حتی دخترانش هم، هر چه را کنار بگذارند تعارفات معمول را کنار نمی‌گذارد و کمی معترضانانه پاسخ دادند که: «این چه حرفیه؟ اینا دوستای ما هستن. بعدشم کاری نمی‌کنیم که بخوایم بترسیم.»

ولی این حس اعتماد به دوست، دیری نمی‌پاید که زهرا (او هم چیزی از مریم کم ندارد و شیطنت در خونش جریان دارد) با حالتی که کمی هم دماغش به سمت جلو حرکت می‌کند، می‌گوید: «البته خانم، راستش ما که اهل رقص و این حرفا نیستیم و همیشه متانت و سنگینی مون زبونزده خاص و عامه (زینب وسط حرفش می‌پرد و می‌گوید بله بله، ایشون یه سه چهار کیلویی از مدیر مدرسه هم سنگین تر هستند!) اما دو سه تا از دوستانم، زنگ تفریح تو کلاس رقصیده بودن و یکی از بچه‌ها هم فیلم‌شون رو می‌گیره و الان فکر کنم فقط خواجه‌حافظ‌شیرازی ندیده باشه که اونم بعیده! چون فکر می‌کنم اونم از این جریان با خبره و یه چیزایی تو دیوانش از رقص و اینا گفته!» با این صحبت زهرا، بقیه هم پاسخ‌هایی مشابه می‌دهند و بعضی هم از مورد اعتماد نبودن تعمیرگاه‌های گوشی همراه می‌نالند.

بحث را به سمت بلوتوث می‌کشانم و می‌خواهم در مورد بلوتوث و استفاده از آن حرف بزنند. لاله می‌گوید: «نه خانم، من از بلوتوث می‌ترسم. آخه یه چیزی دوستم برام بلوتوث کرد که شب‌ها خوابم نمی‌بره و می‌ترسم.» اصرارم برای این که بگوید چه دیده هیچ فایده‌ای نداشت؛ اما غزال با لحنی قلدر مآبانه می‌گوید: «خب بگو دیگه، ترسو خانم من یه فیلم براش دادم که اشراری نمی‌دونم به اسم ریگی، رینگی، یه همچین چیزایی، سر یه نفر رو پخ‌پخ می‌کنند!» جیغ دو سه نفر از بچه‌ها و چهره‌ی وحشت‌زده‌ی لاله نمایان می‌شود.

ساجده هم با کمی ترس توأم با خجالت می‌گوید: «منم یه چیزی دیدم که خب، دیگه از اون موقع تا حالا از کسی، غیر آهنگ، بلوتوث نگرفتم.»

که البته با اصرار ما راضی شد که بگوید آن بلوتوث صحنه‌ی تجاوز بی‌رحمانه‌ی چند افغان به یک دانش‌آموز دختر بوده است.

و باز هم مریم که شیطنتش گل کرده می‌گوید: «به! اینا که همش قدیمی بود. خانم بلوتوت موبایل تون رو روشن کنید، چند تا بلوتوت دو هزار و هشتی (!) براتون دارم خفن. عروسی فلان خواننده و ارتباط نامشروع اون بازیگر و قلیون کشیدن این مداح و مراسم رقص و عروسی این و اون که دیگه خیلی قدیمی شده و همه جا هم پره.»

به عنوان آخرین سوال می‌پرسم برای هم چیزهای خوب هم بلوتوت می‌کنید؟  
غزال می‌گوید: «نه بابا! چیزای خوب که تو رادیو و تلویزیون هست. اگه بخوایم، اونجا می‌بینیم. بلوتوت واسه چیزای نابه.»

مریم هم باز خودی نشان می‌دهد و طوری که می‌خواهد بگوید تجربه‌اش از بقیه بیشتر است و با تغییر ادبیاتش به ادبیات چاله میدانی این طور می‌گوید: «ببین خانومی! بی خیال بلوتوت خوب و بد شو. این تجربه رو از من داشته باش. تو یه دقیقه توی مترو یا اتوبوس یا هر جایی که دختر و پسر هستن مثل کافی شاپ و سینما و تئاتر و... برو. یه اسم ناز دخترونه (!) هم برای بلوتوت انتخاب کن. ترجیحاً عسل باشه بهتره. یکی ثانیه چنان واست آخرین ورژن از بهترین بلوتوت‌های روز ایران و جهان می‌آد که خودت حال کنی. خانومی بذار حالا که اینا رو گفتم یه دقیقه هم کارشناس بشم. هر چی باشه سال دیگه باید دیپلم بگیرم به سلامتی! بلوتوت هم مثل همیشه اول خودش اومد. فرهنگش هم که همچنان تو راهه و نیومده. مسئولین هم که بعد چند سال یه کم بگی نگی می‌خوان یه کارایی بکنن. ولی کدوم کار؟ طرح دادن که کاری کنند که بلوتوت تو مترو کار نکنه. از همین رسانه‌ی عمومی بر خود لازم میدونم که رسماً از صمیم قلب تشکرات لازم را از این همه فعالیت اعلام کنم.»

نمی‌دانستم باید به طرز حرف زدنش بخندم یا... مهم نیست. این مواقع خداحافظی بهترین کار بر سر یک دو راهی است! با تبادل شماره تلفن‌هایمان به همدیگر، از آن‌ها خداحافظی می‌کنم.

هر چند حس کردم این گزارش از محدود گزارش‌هایی است که با صحبت‌های کامل آن چند دختر، دیگر نیازی به صحبت کارشناس و مسئول و دست اندرکار حوزه جوانان... ندارد، اما... اما تا به حال حرف‌های چند دختر ۱۷-۱۸ ساله کجا به چشم آمده که این بار دومش باشد!

فرهادی، کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی که مدیریت یکی از مراکز آموزشی را بر عهده دارد می‌گوید: بلوتوت رسانه‌ای است که در ایران وجهه‌ی غیراخلاقی آن بیشتر است و هم تقریباً به طور مطلق از دسترس و مدیریت و سیاستگذاری حاکمیت به دور است. از آن طرف هم در دسترس تمام اقشار جامعه اعم از زن و مرد و پیر و جوان و فقیر و غنی است. در کشور

ما پدیده‌ای مثل «بلوتوت» یا پیامک‌های غیراخلاقی با سرعتی اعجاب‌آور در حال رشد است و گرایش شدیدی نسبت به آن وجود دارد.

بعضی از بلوتوت‌ها حاوی صحنه‌های تعرض و تجاوز هستند که قشر درجه‌ی یک آسیب در این مقوله، خانم‌ها و دختران جوان و کانون زندگی‌هاست که هر از چندگاهی از لابه‌لای صفحه حوادث روزنامه‌ها، مخاطبان را به خود متوجه می‌کند و هنوز ابعاد گسترده و فراگیر آن به خوبی شناخته نشده است.

بلوتوت همان طور که بعد منفی دارد، بعد مثبت هم دارد. مثل چاقوی تیزی که در دست یک جراح می‌تواند باعث نجات جان یک بیمار شود و در دست یک قاتل باعث گرفتن جان یک انسان. برای مقابله با جنبه‌های منفی بلوتوت باید در جامعه فرهنگ سازی شده و سمت و سوی استفاده از این ابزار را با فرهنگ‌سازی صحیح به سمت مثبت بکشانیم تا این جهانی شدن به نفع قشر مصرف کننده قرار بگیرد.



نسرین حسینی، کارشناس مشاوره نیز برای مقابله با مظاهر منفی بلوتوت صحبت‌های جالبی داشت:

یکی از ویژگی‌های تکنولوژی، در هم شکستن مرزها و از بین بردن موانع است. این روزها نه تنها آنچه از ماهواره‌ها پخش می‌شود، بلکه تصاویر حریم خصوصی خانواده‌ها مانند مجالس عروسی و حتی استخرهای زنانه، به راحتی توسط بلوتوت دست به دست می‌گردد. آنچه من به عنوان راه حل به ذهنم می‌رسد این است که به هیچ عنوان با برخوردهای خشن و یا انضباطی شدید نمی‌توان فرهنگ استفاده نادرست از این ابزار را اصلاح کرد. باید جامعه، خصوصاً قشر جوان را در جهت مقابله با مظاهر

منفی این پدیده آماده کنیم. به آنها شناخت داده و عواقب استفاده نادرست از این وسایل را به آنها یاد آوری نماییم.

متأسفانه با استفاده نادرست از این تکنولوژی، مرز ارتباطات میان انسان‌ها برداشته شده و افراد صرفاً جهت عقب نماندن از مظاهر به اصطلاح تمدن و بدون در نظر گرفتن جنبه‌های مثبت آن، به رواج جنبه‌ی منفی آن پرداخته‌اند. گاه این روابط منجر به آسیب‌های جبران ناپذیری از جمله از بین رفتن اعتماد در بین اعضای یک جامعه و از آن خصوصی تر یک خانواده شده است.

امید که با تدابیر به جا و فرهنگ سازی صحیح و به موقع و با جایگزینی جنبه‌های مثبت بلوتوث، از گسترش جنبه‌های منفی آن جلوگیری نماییم.

### تأثیر شنیدن ترانه‌های موهن بر رفتار جنسی نوجوانان:

محققان دانشگاه پیتزبورگ از ۷۱۱ نوجوان در آمریکا، در باره رفتار جنسی آنها و همچنین نوع موسیقی که گوش می‌کنند، سوال کردند. آنها متوجه شدند گروهی که دائماً به ترانه‌های موهن جنسی گوش می‌دهند، دو برابر بقیه احتمال دارد رابطه جنسی برقرار کنند.



اما کارشناسان رفتار جنسی در بریتانیا گفته اند اعلام این که سبک موسیقی با رفتار جنسی فردی که آن را گوش می‌کند، ارتباط مستقیم دارد، نگاهی ساده اندیشانه است.

گروه تحقیق دانشگاه پیتزبورگ، در این مطالعه،

ترانه‌هایی را موهن دانسته که حاوی توصیف‌های بی‌پرده، خشونت‌آمیز و سلطه جویانه از رابطه جنسی است؛ ترانه‌هایی که مضمونش، سکس را رفتاری جسمانی و نه ناشی از عشق ترسیم می‌کند.

محققان حاضر نشده‌اند که مشخص کنند کدام آهنگ‌ها در این طبقه بندی قرار می‌گیرد اما به عباراتی اشاره کرده‌اند که از خشونت علیه جنس مخالف و همچنین عضو تناسلی او نام می‌برد (I'm gonna beat that pussy up).

محققان، داوطلبان این مطالعه را که از سیزده تا هجده سال سن داشته اند، به سه گروه تقسیم کردند. آنهایی که به این نوع ترانه‌ها دائماً گوش می‌کنند (بیش از هفده و نیم ساعت در هفته)، آنهایی که گاهی اوقات گوش می‌کنند و آنهایی که کمتر به سراغ این دست از ترانه‌ها می‌روند (کمتر از دو ساعت و نیم در هفته).

این مطالعه نشان داد که چهل و پنج درصد از نوجوانانی که دائماً به این نوع ترانه‌ها گوش می‌دهند سکس داشته اند در حالی که فقط ۲۱ درصد از آنهایی که گاهی به این نوع ترانه‌ها گوش می‌دهند، ارتباط جنسی برقرار کرده اند.

دکتر برایان که هدایت این تحقیقات را بر عهده داشته است، گفت: “یقیناً میان رفتار نوجوانان و نوع موسیقی که گوش می‌کنند، ارتباط وجود دارد، اما این که بگوییم که گوش کردن به نوع خاصی از ترانه مستقیماً با سکس در سنین کم ارتباط دارد، دشوار است.”





او افزود: “با این حال والدین باید این یافته را مد نظر قرار بدهند. والدین نباید با گفتن این که ‘خوب بچه اند و این نوع موسیقی‌ها را دوست دارند’ از احتمال تأثیر آن بر رفتار نوجوان چشم پوشی کنند. من نمی گویم که والدین باید جلوی فرزندان نوجوانشان را بگیرند تا به این نوع موسیقی‌ها گوش نکنند اما باید به آنها درباره ارتباط جنسی توضیح دهند تا نوجوان این نوع ترانه‌ها را بهتر حل‌جی کند.”

سخنگوی موسسه خیریه بروک که در زمینه سلامت روابط جنسی جوانان و نوجوانان فعالیت می‌کند، می‌گوید: “روشن است که محیط فرهنگی در رفتار جنسی جوانان نقش ایفا می‌کند اما ساده انگاری است که بگوییم چون یک فرد به این نوع موسیقی گوش می‌کند، تصمیم خواهد گرفت که زودتر سکس داشته باشد. عوامل مختلفی در این تصمیم‌گیری دخیل است.”

کارشناسان معتقدند که آموزش درست نوجوانان و جوانان درباره ارتباط جنسی بهترین روش برای جلوگیری از رفتارهای پرخطر و نامطلوب جنسی و همچنین پیش از موعد آن، در میان این گروه سنی است.

